

نهاد آموزش و پرورش در برابر تغییر سخت مقاوم است

مرتضی حاجی

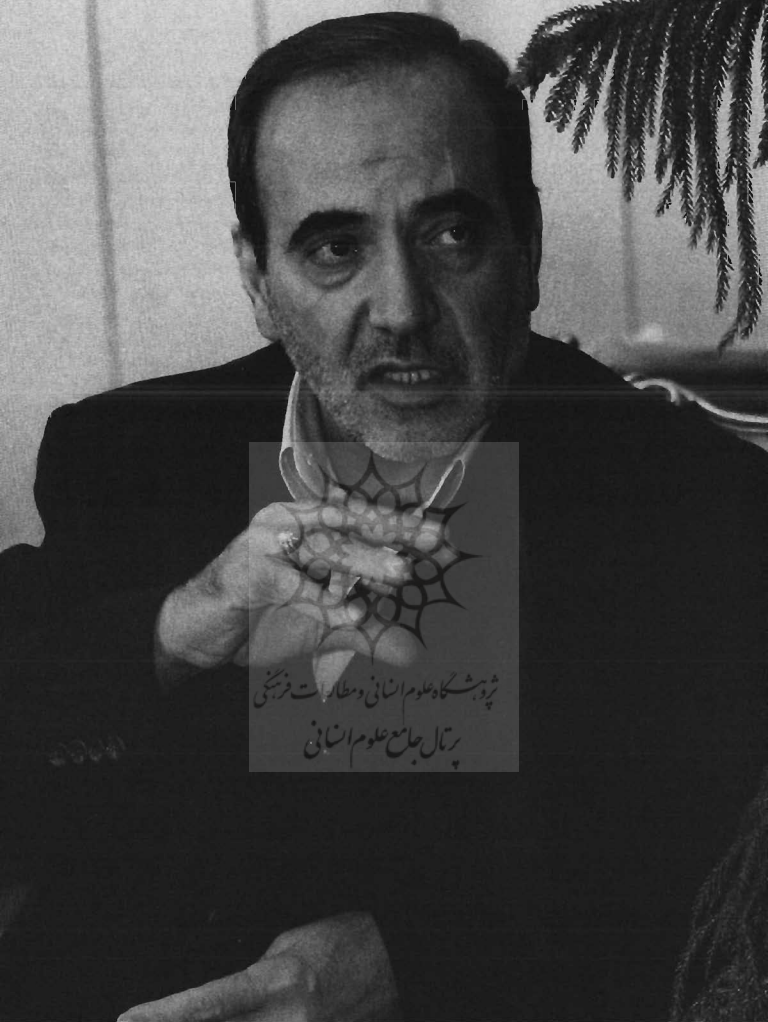
متولد سال ۱۳۲۷. تهران

تحصیلات لیسانس ریاضی. دانشگاه تربیت معلم تهران ۱۳۵۵
سمت‌ها: معلم دبستان - دبیر ریاضی - رئیس شورای شهر بابل. استاندار. معاون و قائم مقام وزارت صنایع
سنگین معاون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. مشاور وزیر بازرگانی - مدیرعامل روزنامه همشهری. وزیر تعاون -
وزیر آموزش و پرورش
رئیس ستاد انتخاباتی رئیس جمهور در دوم خرداد ۱۳۷۶

○ از کودکی بگویند و حال و هوای آن روزها؟

. خانه ما در خیابان قصرالدشت، کوچه نظرباغی بود پلاک ۹۶. پنج اتاق داشت و ۴ خانواده در آنجا زندگی می‌کردند.
آشپزخانه و حمام هم در کار نبود. سرویس بهداشتی هم در زیرزمین و مشترک برای چهار خانواده. حوض کوچکی
هم وسط حیاط داشتیم. اوایل نه آب داشتیم نه برق. آب مصرفی از جوی آب تامین می‌شد و به حوض و «آب انبار»
منتقل می‌شد. فکرش را که می‌کنم تنم می‌لرزد، واقعا غیربهداشتی، ولی خوب با آن شرایط ساختیم و گذشت. فرزند
وسطی خانواده بودم، نو تا برادر دارم، چهار تا خواهر، یک برادر و دو تا خواهر بزرگتر از من و برعکس.
قبل از دبستان، یکی دو سالی به کودکستان حائری می‌رفتم. اول تا سوم دبستان را هم در مدرسه‌ای به نام «مشکان
طیسی» در خیابان کارون تهران درس خواندم.

پدرم مرد صهربان و آرامی بود. قرآن را از اول او به من آموخت دلش می‌خواست بعد از دوره ابتدایی مرا برای
تحصیلات حوزوی بفرستد ولی عمرش کفاف نداد و اول سال تحصیلی ۱۳۳۹ که من کلاس ششم ابتدایی را شروع
کرده بودم به رحمت خدا رفت. ○ دوران نوجوانی و جوانی چگونه گذشت؟
. دوران نوجوانی‌ام مثل بقیه بچه‌های همسن و سالم در محلمان، گذشت با ویژگیهای این دوران مثل همه بچه‌ها.
اما ما تابستانها را با «کار» می‌گذرانیدیم، آن وقتها رسم نبود بچه‌ها کلاس زبان و ورزش و... بروند. از همان راه مدرسه
که کارنامه را می‌گرفتی، سرراه بزرگتر ما که معمولاً پدر بود، از مغازه دارها می‌پرسید، شاگرد نمی‌خواهید؟ و جامعه نیز



شؤون بشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نظارتی پنهان و آشکار بر این امر داشت.

من هم در قصابی و سلمانی، الکتریکی و نانوائی شاگردی کرده‌ام. بعد از فوت پدر، مدتی ترک تحصیل کردم، کار می‌کردم نقاشی ساختمان و... سه خواهر و برادر بزرگم مستقل شده بودند، در نتیجه من فرزند بزرگتر خانواده بودم. یعنی تقریباً مردخانه. دیگر از نوازشهای کودکانه و شیطنت، خبری نبود. حتی خودم تکلیف مراقبت از کوچکترها را هم داشتم

○ چه شد که معلم شدید و معلمی را از چه دوره‌ای شروع کردید؟

• در واقع معلمی را از زمانی که دانش‌آموز ابتدایی بودم، شروع کردم. به مردی سوادی که کارگر گمرک بود خواندن و نوشتن یاد می‌دادم. از آن زمان شوق معلمی در دلم افتاد، بعدها در دبیرستان هم که بودم. همزمان در آموزشگاهها، ریاضی تدریس می‌کردم و هزینه تحصیلم را درمی‌آوردم. سوم متوسطه را که در دبیرستان دکتر نصیری خواندم. به توصیه مادر، پیش آقای حائری مدیر همان کودکان خود رفتم و او مرا برای استخدام به جامعه تعلیمات اسلامی معرفی کرد.

بعد امتحان دادم و قبول شدم و در ۱۶ سالگی تدریس را از پایه پنجم در دبستان «دانش و اخوت» شروع کردم. در بعد چه شد؟

○ در سال دوم یا سوم متوسطه بودم که فعالیت سیاسی اجتماعی می‌کردم. آن روزها اعلامیه‌های حضرت امام و تشریاتی که از حوزه علمیه قم می‌آمد که بعضی از آنها یادم هست، مانند «انتقام» و «بشت» که آنها را توزیع می‌کردم.

گروهی به نام «انجمن مذهبی جوانان پیرو اسلام» تأسیس کرده بودم که فعالیت مذهبی - سیاسی داشت و شعبه‌هایی هم از آن پایه شده بود. اعضای انجمن هفتگی جلسه داشتند. جلسات قرآن، تفسیر، شعر، مقاله و سخنرانیهای مناسب شرایط روز از برنامه‌های ثابت بود. در مناسبتهای مختلف هم در مساجد و مراکز پرجمعیت برنامه داشتیم. در مسجد

حاج امجد، مسجد بنی‌هاشم، و بعضی مساجد دیگر. در محرم هم برنامه‌های دیگری داشتیم. خیلی استقبال می‌شد. دسته عزاداری ما طبل و سنج و زنجیرزن و سینه زن نداشت. شرکت کنندگان که همه جوان بودند با لباس مشکی دست بسته و ساکت در خیابان حرکت می‌کردند. از بلندگو آیات قرآن پخش می‌شد و هر چند یکبار فرازی از واقعه عاشورا، یا جمله‌ای منقول از حضرت سیدالشهدا و یا عبارتی از نوشته‌های مرحوم دکتر شریعتی توسط یک نفر از حاضران خوانده و از بلندگو پخش می‌شد. که در آن فضا و آن شرایط بسیار جلب توجه می‌کرد. جلسات بسیار خوبی بود و در آن شرایط مفید. برنامه‌های ورزشی هم داشتیم و در زمین مجاور روبه‌روی دانشگاه صنعتی شریف کنز دبیرستان دکتر هوشیار، فوتبال بازی می‌کردیم. این فعالیتها در زمان آموزگاری در دبستان دانش‌واخوت (واقع در فلکه دوم خزانه بخارایی) هم ادامه داشت.

تا اینکه قضیای «حزب ملل اسلامی» پیش آمد، در ارتباط با این حزب مدتی را در زندان گذراندم. پس از آزادی در دانشگاه تربیت معلم به تحصیل ادامه دادم، و سال ۱۳۵۵ به استخدام آموزش و پرورش درآمدم در دوران دانشجویی در چند دبیرستان از جمله دبیرستان دانش‌افروز تدریس می‌کردم و پس از استخدام در شهرستان بابل شاغل شدم که تا پس از انقلاب این وضع ادامه پیدا کرد.

○ به عنوان وزیر آموزش و پرورش، نوجوانان و جوانانی را که وظیفه تربیت و تعلیم آنها را برعهده دارید چگونه می‌بینید؟

• جمعیت ایران جمعیت جوانی است بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران بیش از نیمی از جمعیت کشور جوان و نوجوان است و بیش از ۱۶ میلیون نفر آنان دانش‌آموزان هستند.

جوانی فصل شورانگیز و مظهر نشاط و سازندگی است روح لطیف و قلب ظریف جوان جلوه زیبای آفرینش است و صحیفه و صفای هستی در دل او منعکس است. شورزندگی و آهنگ سازندگی در نگاه روشن و امیدوار جوان متجلی است، اگر شور و احساس جوانی با شعور عمیق دینی و مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌جویی همراه باشد، سعادت نسل جوان و سلامت جامعه تضمین خواهد شد. اهتمام به امور جوانان و نوجوانان یعنی اهتمام به آینده و سرمایه‌های پایدار کشور، و این اهمیت باید در مقام عمل متجلی گردد و بستر واقعی برای حضور مؤثر و کارآمدی آنان فراهم گردد و این حداقل انتظار جوانان و نوجوانان در شرایط فعلی از نظام، دولت و دست‌اندرکاران است، نبودن مجرای مطمئن و فراگیر برای انتقال بی‌واسطه مسائل جوانان دانش‌آموز در جامعه و در نظام آموزش و پرورش، اشتغالات بیش از حد



خانواده‌ها برای همنشینی و مشاوره با جوانان، عدم پاسخگویی نهادهای فرهنگی و اجتماعی در جامعه، زمینه تنهایی را برای جوانان فراهم نموده است و این تنهایی موجب ابهام، سرگردانی و پرسشهای فراوان بی‌پاسخی است که در پیش پای او قرار می‌گیرد و می‌رود تا در صورت غفلت به یک گسستگی نسل بی‌انجام، جامعه دانش‌آموزی گرچه آرام و ساکت است اما با هوشیاری و آگاهانه و با ارزیابی هوشمندانه همه حوادث پیرامون خود را درک می‌کند، آینده را رقم می‌زند. بسیاری سکوت آنان را تابعی بی‌قید و شرط می‌خواهند و آنان را کودکانی می‌دانند که باید همچنان تحت قیمومیت و فرماندهی، مجریان بی‌چون و چرای نظرات و دیدگاههای آنها باشند، در صورتی که در مقام واقعیت اینگونه نیست، رشد و بلوغ فکری و فرهنگی و سیاسی نوجوانان به برکت انقلاب اسلامی و همچنین تحولات دهه‌های آخر قرن بیستم فوق‌العاده افزایش یافته است باید باور کنیم که جز با به رسمیت شناختن حقوق، خواسته و شناخت شخصیت و منزلت جوانان و نوجوانان و باور به شایستگی‌های آنها نمی‌توان آینده توسعه یافته و مطمئن را انتظار داشت، از این رو مدیریت جنبش دانش‌آموزی همسو با اهداف انقلاب اسلامی یک ضرورت اساسی است تشکیل و توسعه نهادهای مدنی دانش‌آموزی و فراهم کردن فرصت برای استفاده از توان فکری و مشارکت اجتماعی و ساماندهی مطالبات آنان با تشکیل شوراهای و مجالس دانش‌آموزی که در یک فرآیند طبیعی، با انتخاب و حضور نمایندگان واقعی آنان فعالیت می‌کند گامی مؤثر و مفید و اساسی در جهت پاسخ به این دغدغه‌هاست که فرهنگ مشارکت و مسئولیت‌پذیری را نیز نهادینه می‌کند و گامی عملی برای اهتمام به امور جوانان در کشور است.

خوشبختانه تجارب بین‌المللی ناشی از این اندیشه پستوانه خوبی است که امروزه در اصل مردسالاری دینی تجلی پیدا می‌کند. بالطبع ظرفیتهای بالقوه انقلاب اسلامی در کشور، شعور و فهم بالای جوانان ایرانی، توانمندیهای فراگیر و درونی آموزش و پرورش، یاری و همکاری معلمان، مربیان و دست‌اندرکاران امور تربیتی و آموزشی، تجربه موفق تشکیل شوراهای دانش‌آموزی در مدارس و مجامع دانش‌آموزی در شهرستان و مراکز استانها و تشکیل مجالس دانش‌آموزی و نهادینه کردن اصل پرسشگری اعتماد خانواده‌ها و جامعه به نهاد آموزش و پرورش توانسته است تکیه‌گاه ارزشمندی را برای تحقق این امر فراهم نماید.

○ از مجلس دانش‌آموزی صحبت کردید؟ از کجا این ایده و فکر به وجود آمد اهداف این مجلس چیست؟

در ایران چنین اقدامی تا قبل از دولت آقای خاتمی سابقه نداشت است بعد از دوم خرداد و اهتمام جدی به مسائل جوانان و نوجوانان، اقداماتی به صورت موردی و پراکنده شکل گرفت و دستگاههایی همچون وزارت کشور در جهت اقدام برآمدند اما به نظر می‌رسد عموماً در حد کار مطالعاتی به این امر می‌پرداختند. با برگزاری انتخابات آزاد در مدارس و تشکیل شوراهای دانش‌آموزی و راه‌اندازی مجامع و شوراهای دانش‌آموزی در شهرستانها و مراکز استانها، زمینه این کار با توجه به تجارب سایر کشورها فراهم گردید و استقبال بی‌سابقه دانش‌آموزان از انتخابات شوراهای دانش‌آموزی (بالای ۹۳٪) در سالهای اخیر و حضور مشارکت‌جویانه و آگاهانه آنان در برنامه‌ها و فعالیتهای شورای دانش‌آموزی و تشکیل مجامع استانی، زمینه تشکیل مجامع کشوری را در قالب مجلس دانش‌آموزی فراهم کرد به نحوی که در حال حاضر ما شاهد فعالیت دو دوره از یک مجلس واقعی مرکب از نمایندگان حقیقی دانش‌آموزان سراسر کشور اعم از دختر و پسر می‌باشیم.

استقبال رئیس‌جمهور از برنامه‌های شوراهای دانش‌آموزی و توصیه و تأکید ایشان بر تقویت و توسعه آن اولویت دادن به مدرسه محوری در این دوره، توجه به امور جوانان و نوجوانان، مقدمات لازم را برای تشکیل و فعال نمودن مجلس دانش‌آموزی فراهم کرد. امید است این امر بتواند تجربه موفق تعلق‌گردد و قدمی عملی‌تر برای تحقق مردم‌سالاری دینی برداشته شود.

اینگونه تشکیلات به لحاظ کمی و کیفی از گستردگی قابل ملاحظه‌ای در سایر کشورها برخوردار هستند، بنابر اطلاعات موجود در کشورهایی چون انگلستان، استرالیا، ایتالیا، فرانسه، لبنان و بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مجلس جوانان تأسیس و فعال شده است و حتی در سالهای اخیر در مجلس جوانان استرالیا به لحاظ کارکرد موفق آن، به یک نهاد بین‌المللی بنام مجلس بین‌المللی جوانان (International Youth Parliament) تبدیل شد که نشستهای سالانه آن در یکی از کشورهای جهان برگزار می‌گردد و طرحهای مصوب خود را برای سازمانهایی نظیر یونسکو ارسال می‌کند.

برخی از مجالس از جمله در ایتالیا و انگلستان کارکرد دانش‌آموزی دارند و بسیاری از مجالس نیز کارکرد ملی و عمومی دارند اما در مجلس جوانان فقط کلیه جوانان زیر ۲۵ سال فعالیت می‌نمایند که این امر نیازمند به تحقیق



به علاوه کارکرد و الگوهای رایج در خصوص مجالس دانش آموزی عموماً به سه دسته تقسیم می شوند:
الف. گروهی از مجالس دارای کارکرد آموزشی هستند و هدف از تشکیل آنها آشنایی با شیوه قانونگزاری در کشور و نحوه انجام وظایف نمایندگان و شیوه اداره مجلس می باشد.

ب. برخی از مجالس کارکرد گروهی و تفریحی دارند و انگیزه اصلی تشکیل آنها، پرداختن به کارهای گروهی که عمدهً جنبه تفریحی دارند محدود می شود، البته در عین حال کارهای آموزشی هم انجام می دهند.

ج. بخش غالب مجالس جنبه مشاوره‌ای دارند از جمله مجالس جوانان لبنان و ایتالیا، این مجالس قدرت ارائه پیشنهاد، تصویب، طرح و حتی پرسش از وزرا را داشته و حتی در مواردی مثل مجلس جوانان اروپا خدمات مشاوره‌ای به سازمانهای بین المللی ارائه می نمایند.

اما اهداف تشکیل مجلس دانش آموزی کشورمان همانطور که در اساسنامه آن آمده است به قرار زیر می باشد:

۱. ترویج فرهنگ مشارکت جویی، تعاون و همکاری و مسئولیت پذیری و زمینه سازی برای مشارکت فکری و عملی دانش آموزان در عرصه های مختلف آموزش و پرورش.
۲. ترویج فرهنگ گفتگو و مشورت بین دانش آموزان.
۳. بهره گیری از نظرات دانش آموزان در اصلاح قوانین، مقررات، طرحها و برنامه های مرتبط با آنها.
۴. آشنا کردن دانش آموزان با مقوله های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی.
۵. تقویت روحیه خودباوری و خوداتکالی و اخلاق اجتماعی.

۶. تقویت هویت اسلامی و ایرانی و تحکیم و ترویج ارزشهای انقلاب اسلامی.

عملکرد مجلس دانش آموزی در ایران نشان داد که اگر به جوانان اعتماد کنیم و فرصتهای بیشتری در اختیار آنها بگذاریم، نه تنها تهدیدی برای حوزه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محسوب نمی شوند بلکه به انسجام عمومی کشور نیز کمک می کنند. مجلس دانش آموزی از زمان تاسیس تا کنون همواره تحت نظارت دو گروه بوده است.



گروهی مخالفان تاسیس مجلس دانش آموزی بودند و می گفتند: «اگر جوانان دور هم جمع شوند انتظارات غیرمعمولی خواهند داشت و این امر برای حوزه سیاسی و اجتماعی تهدیدی به شمار می رود.» خوشحالیم نهادهای که تاسیس شد به سرعت رشد افتخارآفرینی داشته است تا جایی که امروز وزارت آموزش و پرورش نیازمند حمایت این نهاد می باشد.

مجلس دانش آموزی جایگاه مشخصی در تصمیم سازی ها دارد و فرصتی است تا بتوان نوآوری و نشاط را در حوزه آموزش و پرورش ایجاد کرد.

می دانیم که یکی از عوامل به شدت موثر در پیشرفت یا عقب ماندگی جوامع میزان قدرت آنها در عرصه علوم و فناوری است و تردیدی نیست که پیشرفت در این عرصه نیاز به نوآوری و اتخاذ راههای جدید دارد. ارائه طرحهایی مانند شهرکهای علمی و آموزش مهارتهای زندگی از سوی مجلس دانش آموزی، پاسخی علمی و عملی به پرسش مهر رئیس جمهوری بوده است که همواره در برقراری گفتمان میان اخلاص ملت، اهتمام دارند.

○ به شوراها و لزوم پرسشگری در مدارس اشاره کردید؟ آیا آموزش و پرورش در خصوص رواج «گفتگو» و موضوع «گفتگوی تمدنها»، پس از طرح این موضوع به وسیله رئیس جمهور، کار به خصوصی انجام داده است؟
هم اکنون موضوع گفتگوی تمدنها به عنوان چند نو درسی اختیاری در دوره دبیرستان ارائه می شود. کتاب مناسبی هم با همکاری مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها تهیه شده است که به عنوان منبع درسی مورد استفاده دانش آموزان و معلمان قرار می گیرد.

من معتقدم که تشویق به تعامل، «گفتگو» و رواج پرسشگری می باید در خانواده و مدرسه به کودک و نوجوان آموخته شود تا راه برای نهادینه شدن جامعه ای مردمسالار گشوده گردد. بدین سبب همکاران من در آموزش و پرورش شیوه های آموزش را به گونه ای که تعامل و همکاری در طرح و حل مسئله را بیاموزد مورد تجدید نظر قرار می دهند. این مسئله یعنی «رواج پرسشگری» و تعامل با جوانان آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری نیز در این جهت همراه اند و خودشان بانی طرح پرسش مهر بودند و از دانش آموزان پاسخ خواستند و عملکرد اندیشه دانش آموزان را برای یافتن پاسخ تحریک کردند، چرا که تفکر و اندیشه یکی از اصلی ترین و مهمترین وجوه تمایز انسان با سایر مخلوقات جهان است که او را در مقایسه با آنان برتر و والاتر می نمایند. برای انسان، «دانش» منبع تفکر و «پرسش» کلید گنج دانش

است. انسان به تفکر و اندیشه زنده و بقای تفکر و اندیشه وابسته است. اگر حق پرورشگری از انسان سلب شود، چیزی از او جز قالبی تهی، که بشر را هم سنگ سایر مخلوقات عالمی کند باقی نخواهد ماند. در نظام تعلیم و تربیت، پرورش و جست‌وجوگری، روح و اساس «تعلیم و تربیت پویا و اثربخش» کشور محسوب و به عنوان رسالت اصلی آن تلقی می‌شود و می‌تواند در ایجاد زمینه مساعد برای پژوهش و تلاش برای یافتن پاسخهای لازم موثر افتد.

به یاد داریم همزمان با آغاز سال تحصیلی ۷۷-۷۶ و در مراسم بازگشایی مدارس، آقای خانمی ریاست محترم جمهوری با حضور در یکی از مدارس روستای زلزله استان اردبیل و بیان نکات مهمی خطاب به دانش‌آموزان، جوانان و نوجوانان و دعوت از آنان برای مشارکت فعال و گسترده و ارایه راه‌حلهای عملی برای حل مشکلات جامعه، سنت حسنه‌ای را در عرصه فرهنگی پایه‌گذاری کردند.

ایشان با هدف پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌جویی و تحقیق و پرورشگری و ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری در جوانان و نوجوانان و حضور پررنگ و جدی در عرصه فعالیتهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از آنان خواستند به پرسشهای مطرح شده پیرامون «قانونمندی و احترام به قانون» و «راهکارهای استقرار امنیت و راه‌حلهای عملی برای بیرون راندن بیگانگان از منطقه» پاسخ دهند.

دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی در سراسر کشور، با حضور میلیونی خود در سطح مدارس، مناطق، استان و کشور به تلاش وسیع علمی پرداختند و در پایان این مسابقه بزرگ برگزیدگان هریک از رشته‌های اعلام شده با حضور در جشنواره نهایی، جوایز خود را از دست ریاست جمهوری دریافت کردند.

آثار برگزیده دانش‌آموزان تحت عنوان مجموعه آثار، جمع‌آوری و در ۸ جلد (داستان‌نویسی، پاسخهای مشروح، پاسخهای کوتاه، نقاشی، کاریکاتور، خلاصه مقالات، شعر و سرود) به چاپ رسیده است.

این طرح توانست علی‌رغم محدودیت زمانی، مسبوق به سابقه نبودن آن و فقدان اطلاع‌رسانی کافی در سطح کشور، بیش از ۵ میلیون نفر از دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی را به خود جذب نماید.

به دنبال موفقیت قابل توجه آموزش و پرورش در اجرای «طرح بنمار» و علاقمندی و استقبال گسترده دانش‌آموزان در پاسخ‌گویی به پرسشهای ریاست جمهوری، برای دومین بار در سال تحصیلی ۸۰-۷۹ دو پرسش دیگر از سوی رئیس‌جمهور در مراسم بازگشایی مدارس مطرح گردید. ایشان از دانش‌آموزان پرسیدند:

۱- دین و آزادی در قانون اساسی که روح ملت و اساس وحدت ملی است چه جایگاهی دارد؟

۲. با گفت‌وگوی تمدن‌ها چگونه می‌توانیم جهانی زیباتر و انسانی‌تر بسازیم؟

و از آنان خواستند با دقت و تأمل بیشتری به پرسشهای مطرح شده پاسخ دهند.

بیش از ۶/۴۰۰/۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان دوره‌های مختلف در طرح پرسش مهر (۲) اثربخشی و کارآمدی خود را به نمایش گذاشتند.

پس از بررسی و داوری آثار، حدود ۳۰۰ نفر از برگزیدگان مراحل مختلف با حضور در مراسم پایانی، جوایز خود را از دست آقای خانمی دریافت نمودند.

رئیس‌جمهور در سومین دوره، یعنی سال تحصیلی ۸۲-۸۱، با اشاره به یکی از حساس‌ترین فرازهای تاریخی و مهمترین مسایلی جامعه اسلامی و نقش ملت ایران در ایجاد یکی از بزرگترین تمدنهای بشری از دانش‌آموزان و فرهنگیان کشور خواستند پیرامون دغدغه‌ها و پرسشهای ایشان درخصوص علل عقب‌افتادگی تمدن ایران اسلامی پندیشند.

ایشان با برشماری برکات آیین اسلام، آیین محمدی را دین خرد و آگاهی و «معرفت» را سرمایه بزرگ هستی نامیدند و با اظهار تأسف از وضعیت کنونی تمدن بزرگ اسلامی و طرز تلقی منفی جهان نسبت به ایران، از مملعتان و دانش‌آموزان، به ویژه دانش‌آموزان دوره متوسطه خواستند تا با مطالعه و پژوهش به پرسشهای زیر پاسخ بدهند:

انقلاب اسلامی در گشودن راه‌هایی از این‌نگون‌سازی چه نقشی داشته است؟

برای رساندن کشور و ارتقای ملت به جایگاه شایسته و واقعی خود در جهان امروز و تاریخ چه باید کرد؟

بلافاصله بعد از طرح پرسشهای مذکور توسط رئیس‌جمهور، ستاد فراخوان پرسش مهر تشکیل شد و شاهد حضور پرشور نوابگان میهن اسلامی بودیم.

در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ نیز بیش از ۱۶ میلیون مشتاق فراگیری علم و دانش پس از شنیدن طنین دلنشین زنگ



مهر و بیداری سال تحصیلی خود را با پرسش و پرسشگری آغاز کردند.

آقای خاتمی در مراسم بازگشایی سال تحصیلی با تاکید بر سنت حسنه‌ای که حدود ۶ سال پیش از آن پایه‌گذاری کرده بودند، با مخاطب قراردادن توامان فرهنگیان و دانش‌آموزان و با درآمیختن «مهر و پرسش» جامعه فرهنگی کشور را به تحرکی جدید فراخواندند.

ایشان با اشاره بر یکی از حساس‌ترین چالشهای امروزی جوامع بشری از مخاطبان خود خواستند تا با تامل و تدبیر لازم موانع مهرورزی و نمود چهره خشن جنگ، ترور و خشونت را در جهان امروز بررسی کرده و نتایج فعالیتهای پژوهشی خود را هم چون سالهای گذشته به ستاد پرسش مهر ارسال دارند ایشان از فرهنگیان و دانش‌آموزان پرسیدند:

۱. در جهان به هم پیوسته امروز چگونه می‌توان با برهیز از تنشهای جهانی و دستیابی به پیشرفت همه جانبه و پایداری، هویت دینی و ملی خود را حفظ کرد؟

۲. موانع مهرورزی و عوامل خشونت اعم از ترور و جنگ در عرصه جهانی چیست؟ و مبارزه با آنها و حرکت به سوی صلح مبتنی بر عدالت چگونه میسر است؟

این بار نیز در پی فراخوان ستاد پرسش مهر، میلیونها دانش‌آموز پاسخهای خود را به ارائه دادند و برگزیدگان در کنگره نهایی فراخوان در مرداد ۸۳ به قرأت پاسخهای خود پرداختند.

در آغاز سال تحصیلی جدید هم رئیس جمهور آخرین پرسشهای مهر خود را با این مقدمه عنوان کردند که :
انسان در صحنه جهانی از بیدار، نابرابری، جنگ و ترور و در بسیاری از کشورها از خودکامگی حکومت و بی‌عدالتی و تحقیر انسان رنج می‌برد و در ژرفای فطرت و وجدان خود چشم به راه رهایی است ؛

○ نسبت رشد عقلانی، آزادی و برابری و اخلاق در نظام داد بنیاد مهدوی مورد انتظار ما چگونه است و آگاهی و اراده آدمی در رسیدن به این نظام چه نقشی دارد؟

همه: نتیجهای خدای بنای عالم را بر عدل می‌دانند و در جامعه انسانی دوران طلایی زندگی را به آینده حواله داده‌اند.

○ مهدویت در ادیان الهی به‌ویژه یهودیت و مسیحیت و زرتشتیت چگونه است؟

○ از نهضت مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت و انقلاب بزرگ اسلامی چه درسهایی می‌آموزیم؟ ملت رشید ایران چه می‌خواست و به چه رسید؟

○ اصلاحات در تاریخ یکصد و پنجاه ساله کشور ما تاکنون چه نقشی داشته و موانع و دست‌آوردهای آن چیست ؟

○ جناب وزیر شما برای دانش‌آموزان چه کرده‌اید؟

. توجه به دانش‌آموزان که رکن اصلی آموزش و پرورش هستند بیش از پیش مدنظر بوده است و در حقیقت اینان سرمایه‌های اصلی کشور و دغدغه اصلی فعالیتهای دستگاه تعلیم و تربیت می‌باشند. سعی شده است سیاستها و اقدامات انجام شده در این چند سال، ما را به این هدف بیشتر نزدیک کند. سیاستهای وزارت آموزش و پرورش در دولت هفتم حول محورهای:

. توسعه دسترسی دانش‌آموزان در اقصی نقاط کشور به آموزش و پرورش و رفع تبعیض جنسیتی و منطقه‌ای، توسعه

فعالتهای فوق برنامه و حمایت از انجمنها و تشکلهای علمی، ادبی، دینی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان، قانونمند کردن و انتظام بخشی به فعالیتهای شوراهای دانش‌آموزی، قراردادن منابع متنوع آموزشی در دسترس دانش‌آموزان در

جهت خود راهبری آموزشی و آموزش همه عمر، بوده است و بر این اساس اقدامات نیز صورت گرفته است که هر یک را جداگانه و مختصر توضیح می‌دهم.

الف: توسعه آموزش و رفع تبعیض

۱. اسامنامه مراکز آموزشی ۲ ساله پیش‌دستانی در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شد و با قانونمندی آن امکان توسعه این نوع آموزشها در موثرترین دوره عمر فراهم شده است.

براین اساس تعداد دانش‌آموزان سال اول ابتدایی که دوره پیش‌دستانی را گذرانده‌اند با ۴۰ درصد رشد از ۲۸۶۹۰۳ نفر در سال ۸۰ به ۴۰۳۶۵۴ نفر در سال ۸۲ رسیده است.

۲. مدارس شبانه‌روزی ویژه دانش‌آموزان مناطق محروم و روستایی از ۲۱۱۱ به ۲۷۳۹ واحد افزایش یافته و به طور متوسط در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هر سال ۱۰۰ واحد و در دو سال گذشته به طور متوسط بیش از ۲۰۰ واحد در سال افزایش یافته است.

۳. مدارس نمونه دولتی ویژه دانش‌آموزان مستعد مناطق محروم از ۶۰۸ واحد به ۲۲۷ افزایش پیدا کرده است.



در این مدارس با تخصص اعتبار دولتی افزون بر مدارس معمول شرایط مناسب تحصیل برای این قبیل دانش آموزان فراهم شده است.

۴. دانش آموزان مدارس شبانه روزی از ۲۵۰۲۰۱ به ۴۱۷۰۰۰ نفر افزایش یافته اند.
۵. جذب دختران در مدارس شبانه روزی حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است.
۶. بر طبق طرح آتیه، هر دانش آموز استثنایی مستمری مادام العمر دریافت خواهد کرد.
۷. دانش آموزان استثنایی تحت پوشش، از سرورس رفت و آمد رایگان برخوردار شده اند.
۸. سند اجرایی آموزش برای همه به تصویب رسیده و با اجرای آن کلیه شاخصهای تحصیلی تعلیم و تربیت کشور بهبود خواهد یافت.

۹. مؤسسه آموزش از راه دور با هدف افزایش پوشش تحصیلی در مناطق محروم و گسترش امکان تحصیل برای همه افراد، تشکیل و راه اندازی شده و در سال تحصیلی جاری دانش آموز جذب خواهد کرد.

۱۰. تعداد دانش آموزان عشایری در پایان سال ۸۲ نسبت به سال ۸۰ به میزان ۱۰/۴۳ درصد رشد داشته است.

۱۱. با اجرای طرح ویژه جنب دختران بازمانده از تحصیل سهم دانش آموزان دختر از کل دانش آموزان از ۴۷/۶ درصد در سال ۸۰-۷۹ به ۴۸/۱ درصد در سال تحصیلی ۸۲/۸۳ افزایش پیدا کرده است.

ب. توجه به تغذیه و سلامت دانش آموزان:

۱. حدود یک میلیون نوآموز، قبل از ورود به مدرسه تحت معاینات پزشکی و سنجش آمادگی تحصیلی قرار می گیرند.

۲. کلیه دانش آموزان پایه اول ابتدایی دارای شناسنامه سلامت شده اند.

۳. طرح تغذیه شیر در مدارس در این دوره آغاز و حدود ۷ میلیون نفر دانش آموز دوره ابتدایی تحت پوشش تغذیه با شیر قرار گرفته اند و در سال تحصیلی ۸۴-۸۲ این طرح به کلیه دانش آموزان دوره ابتدایی تعمیم می یابد.

۴. طرحهای ویژه دیگری مانند

- آموزش پیشگیری از رفتارهای پرخطر

- سنجش و اصلاح ساختار قامتی (تدابیری برای جلوگیری از کوتاهی قد) دختران دانش آموز

- مدارس مروج سلامت و... تبیین و به اجرا گذاشته شده است.

ج: توسعه آموزشهای و کیفیت بخشی به آنها:

۱. پژوهش سرفاهای دانش آموزی برای ایجاد روحیه تحقیق و جستجوگری ایجاد و توسعه قابل

ملاحظه ای یافته اند که ۷۰ واحد آن در حال فعالیت اند و این روند همچنان ادامه دارد.

۲. به مناسبت بیست و پنجمین سال پیروزی انقلاب اسلامی طرح ۲۵ هزار نمایشگاه کتاب در ۲۵ هزار مدرسه در

سال ۸۲ برگزار شده است.

۳. طرح کتابخانه های کوچک در ۷۵۰۰۰ کلاس ابتدایی به اجرا درآمد.

۴. متوسط تعداد کتابهای موجود در کتابخانه های مدارس به ازای هر دانش آموز از سه جلد به شش جلد افزایش یافت.

۵. سرمایه گذاری لازم برای مدرنیزه کردن و افزایش ظرفیت بالفعل چاپ کتابهای درسی از ۱۲۰ میلیون جلد به ۱۵۰

میلیون جلد انجام شد و در نتیجه تمامی کتابهای درسی قبل از ۱۵ شهریور چاپ و توزیع می شود.

۶. سهم دانش آموزان کار دانش از دوره متوسطه در سال تحصیلی ۸۰-۷۹، ۱۴/۷٪ بوده که در سال تحصیلی ۸۲-۸۳

به ۲۰/۳٪ رسیده است.

۷. سهم دانش آموزان فنی و حرفه ای و کار دانش در سال تحصیلی ۸۰-۷۹، ۲۵/۸٪ بوده و در سال تحصیلی ۸۲-۸۳

به ۳۶٪ رسیده است.

۸. درصد بلسوادان جمعیت ۶ ساله و بالاتر از ۸۴/۴ درصد در سال ۸۰ به ۸۵/۸۱ درصد در سال ۸۲ رسیده است.

۹. تعداد طرحهای دانش آموزی ارائه شده به جشنواره خوارزمی از ۱۲۸۰۰ به بیش از ۲۲ هزار افزایش یافت.

د: فعالیتهای تشکلهای دانش آموزی

۱. سازمان دانش آموزی وظایف مربوط به اجرای اردوهای دانش آموزی و حمایت از تشکلهای دانش آموزان در امور

مختلف اجتماعی ر به عهده گرفت.

۲. تداوم و توسعه فعالیتهای تشکلهای دانش آموزی نظیر انجمنهای علمی، ادبی، انجمن اسلامی، بسیج

دانش آموزی.

۳. شوراهای دانش آموزی مناطق و استانها تشکیل شده و توسعه قابل ملاحظه ای یافته اند.



۴. تشکلهای دانش‌آموزی پستاناران فرزنانگان و نيز شاخه دانش‌آموزی سازمان جوانان هلال‌احمر تشکيل و فعال شده‌اند.

۵. با تاسيس مجلس دانش‌آموزی قدم مهمی برای حضور موثرتر دانش‌آموزان در عرصه‌های آموزشی و فرهنگی و اجتماعی و تمرین کار جمعی و مردم‌سالاری برداشته شده است.
مپ: فعاليتهاي فوق برنامه

۱. مسابقات علمی دانش‌آموزان همچنان روبه‌گسترش است. به طوری که تعداد دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مسابقات علمی دوره متوسطه به بیش از ۸۰ هزار نفر رسیده است.

۲. مسابقات و جشنواره‌های فرهنگی و هنری دانش‌آموزان نیز از تنوع بیشتری برخوردار شده است و تعداد شرکت‌کنندگان این مسابقات در سال جاری بیش از ۲ میلیون نفر بوده است.

۳. از سال ۱۳۸۰ تاکنون تعداد رشته‌های مسابقات و المپیادهای ورزشی داخل کشور از ۱۴ به ۱۸ و تعداد دانش‌آموزان شرکت‌کننده از ۱/۶۵۰/۰۰۰ به ۲/۱۵۰/۰۰۰ نفر افزایش یافته است.

۴. برای حمایت از دانش‌آموزان مولف و توسعه فرهنگ مکتوب کردن اندیشه غرقه خاصی برای معرفی و عرضه کتابهای دانش‌آموزان نویسنده و مولف در نمایشگاه کتاب دایر شد.

۵. برای ترویج فرهنگ نماز در مدارس ۱۳ دوره مسابقه اذان با ۸۰۰ هزار شرکت‌کننده در هر دوره، دو دوره مسابقه احکام با ۱/۵ میلیون شرکت‌کننده در هر دوره و پنج دوره مسابقه انشای نماز با ۵۰۰ هزار شرکت‌کننده در هر دوره برگزار در طول سال تحصیلی و یکصد هزار نفر در طول تابستان برای قرآن‌آموزی هستند.

۸. هم‌اکنون در ۶۹ هزار مدرسه نماز جماعت برگزار می‌شود که امام جماعت ۱۲ هزار آنان از روحانیان با انگیزه‌اند.

۹. ۱۰ عنوان کتاب برای دانش‌آموزان با شمارگان ۳ میلیون نسخه - ۲ عنوان کتاب برای امامان جماعت با شمارگان ۳۰ هزار نسخه - ۵ عنوان کتاب برای خانواده‌ها با شمارگان ۳۰ هزار نسخه چاپ و منتشر شده است. مشارکت فعال در تعداد زیادی از برنامه‌های رادیو و تلویزیونی و دهها فعالیت ارزنده فرهنگی. نری آموزشی دیگر در جهت توسعه فرهنگ نماز انجام شده است.

- در سال گذشته وزارت آموزش و پرورش به علت اهتمام بسیار در فعالیتهای قرآنی ب عنوان «خادم قرآن» مفتخر گردید.

- در سال جاری از سوی هیات داوران وزارت آموزش و پرورش به عنوان دستگه برگزیده در ترویج فرهنگ نماز شناخته شد و مورد تقدیر قرار گرفت.

و: سایر فعاليتها:

۱. فعالیتهای پژوهشی در آموزش و پرورش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردید و در این جهت مواهقت اصولی تاسيس پژوهشگاه تعلیم و تربیت دریافت شد و تاسيس آن در حال اقدام است.

۲. دو پژوهشگده جدید در آموزش و پرورش تاسيس و فعال گردید.

۳. مجموع طرحهای پژوهشی و پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد و دکتری انجام شده در پژوهشگده تعلیم و تربیت و شورای تحقیقات استانها از ۴۲۷ عنوان در سال ۸۰ به ۱۳۱۲ عنوان در سال ۸۲ افزایش یافت.

۴. برای تعریف صحیح و علمی مهارت حرفه‌ای نیروی انسانی، تدوین استانداردهای علمی، مهارتی و رفتاری معلمان و مدیران مدارس و طرحهای بهبود کیفیت مدارس پیش‌دبستانی و ابتدایی در حال اجرا است.

۵. پژوهشهای دانش‌آموزی همچنان در حال افزایش کمی و بهبود کیفی است و دانش‌آموزان افتخارآفرین اعابمی به المپیادهای جهانی از سال ۱۳۷۶ تاکنون به طور متوسط هر سال ۲۳ مدال افتخار جهانی کسب نموده‌اند.

○ اگر دانش‌آموزان بپرسند برای معلمان آنها چه کرده‌اید؟ چه پاسخی دارید؟
- در زمینه توجه به مسائل منابع انسانی و حل مشکلات معلمان ما سیاستهایی را در پیش گرفته‌یم که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- اصلاح نظام جذب. نگهداری و ارتقاء شغلی و علمی معلمان
- افزایش بهره‌وری از منابع انسانی از طریق افزودن عوامل انگیزشی

- منتظم دانستن مشارکت معلمان و فراهم کردن فرصتهای بیشتری برای بهره‌مندی از نظرات همکاران
- باز تعریف نقش مدیران مدارس به عنوان رهبران آموزشی به جای مدیران اجرایی و آغاز طرح مدیریت آموزشی مدرسه محور به صورت آزمایشی

الف: امور رفاهی و انگیزشی

اقداماتی برای کاهش مشکلات معیشتی همکاران از قبیل مبلغ دریافتی آنان پروژه‌های متعدد تأمین و ایجاد مسکن - توسعه خدمات درمانی و بیمه تکمیلی انجام شده است که نیازی به ذکر آن نمی‌بینم.

ب: ارتقای علمی منابع انسانی

۱. متوسط تحصیلات معلمان از ۱۴/۱ سال به ۱۴/۵۱ سال افزایش یافته است.

۲. حداقل ۶۰/۰۰۰ نفر از معلمان با فناوری‌های نوین و کاربرد رایانه آشنا شده‌اند.

۳. با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ادامه تحصیل معلمان در دوره‌های مختلف تسهیل شده است که از آن جمله توافق برای آموزش‌های پودمانی در مقطع کاردانی و آموزش تمام وقت ۹۵۰۰ نفر از معلمان را می‌توان نام برد. حصول توافق برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر نیز در حال پیگیری است.

۴. سهم معلمان و کارمندان دیپلم و فوق دیپلم از ۱۶۳ به ۱۵۵ کاهش یافته و در مقابل، سهم معلمان و کارمندان لیسانس و بالاتر از ۱۲۴ به ۱۴۴ رسیده است.

۵. طرح ارتقای مسیر شغلی کارکنان و رتبه‌بندی برای معلمان به اجرا درآمد. به موجب این طرح امکان ارتقای شغلی و دستیابی به عناوین معلم ارشد، خبره و عالی برای معلمان فراهم می‌شود.

۶. پژوهشی معلمان پژوهنده کشور توسعه و کیفیت قابل ملاحظه‌ای یافته است.

○ به عنوان وزیر آموزش و پرورش چالش‌های فراروی نظام تعلیم و تربیت کشور را چه چیزهایی می‌دانید؟ چه تدابیری را برای برخورد با این چالش می‌توان در نظر گرفت؟

. آموزش و پرورش ما با توجه به جوانی جمعیت کشور و گستردگی وزارتخانه با چالش‌های جدی روبه‌رو است، تنگی معیشت معلمان، تقابلی آموزش سنتی و ایستا با شیوه پویا و یادگیری و یاددهی فرامردن در جهان از آن جمله است. در وهله اول بایستی به موارد زیر اهتمام داشت.

۱. توانمندسازی و حرفه‌ای کردن منابع انسانی آموزش و پرورش براساس رویکردهای نوین یاددهی - یادگیری

۲. اصلاح نظام حقوق و دستمزد معلمان متناسب با ویژگی‌های شغل معلمی

۳. نهادینه‌سازی فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) از طریق آموزش کلیه مخاطبان اصلی آموزش و پرورش که همانا دانش‌آموزان می‌باشند.

۴. اجرای طرح سنجش صلاحیت حرفه‌ای معلمان و کارکنان

۵. ضرورت بهبود سهم آموزش و پرورش از بودجه کشور

کسری مزمن بودجه آموزش و پرورش در طی ده سال اخیر، عاملی است که توان مدیریتی را در این وزارتخانه در حد رفع مشکلات کمی و فیزیکی، مصروف می‌دارد و در نتیجه توجه به اثربخشی فرایندهای قابل اجرا و کیفیت بخشی به فعالیتها، تا حد زیادی از نگاه مدیران پنهان و مغفول می‌ماند. لذا تأمین منابع مالی مناسب و اصلاح ترکیب ردیف‌های هزینه‌ای امری کاملاً ضروری است.

زیرا هم‌اکنون سهم هزینه‌های غیرپرستلی هیچ توازن و تعادلی با هزینه‌های پرستلی ندارد و در حالی که انتظار بهبود کیفیت آموزشی داریم محدودیت شدید منابع غیرپرستلی در جهت مشکل جدی برای توجه به کیفیت آموزش و تأمین نیازهای ضروری مدارس می‌شود و همین است که باعث می‌شود مدیران مدارس بر خلاف میل درونی برای تأمین هزینه‌ها از مردم درخواست کمک مالی کنند.

۶. پیامدهای نگاه یکسان به دستگاه تعلیم و تربیت

قوانین و مقررات و ضوابط یکسان برای کلیه کارکنان دولت در نظر گرفته شده برای کارکنان آموزشی که مأموریت و وظایف آنها کاملاً با سایر کارمندان هم متفاوت است نیز اعمال شود. در این دیدگاه که با کاهش تعداد دانش آموز بایستی کاهش معلم و نیروی انسانی متخصص نیز صورت پذیرد به عامل اثر بخشی و کیفی سازی هیچ گونه توجهی نشده که پیامدهای این نقطه نظرات، مشکلات کنونی را پدید آورده است.

اما چالش جدی و اصلی نظام تعلیم و تربیت ما، مقاوم بودن آن در برابر تغییر است. چیزی که جهان امروز و پدیده جهانی شدن آن را برنمی‌تابد. آموزش و پرورش در برابر تغییر بسیار محافظه‌کار است. شاید این محافظه‌کاری ضروری

به نظر برسد ما نباید در آن افراط کرد. نظام تعلیم و تربیت باید هماهنگ با دنیای متحول، خود را برای تفسیر جهان آماده کند. جهانی شدن از آن افرادی است که توانایی آموزش مداوم، تحلیل و تبادل اطلاعات و روحیه مشارکتی داشته باشند، و بتوان به موقع از فرصتهای درستی استفاده کند. از دهها سال پیش نظام آموزش و پرورش ایران یا تغییر نداشته یا تغییرات در آن اندک بوده است.

لذا توجه جدی به ایجاد تغییر و تحول در روشهای آموزشی و تربیتی به گونه‌ای که مهارت کافی برای زندگی فردی و اجتماعی برای نسل آینده ایجاد کند، لازم است، از جهت مهارت زندگی فردی شانس استفاده از فرصتهای اشتغال در اختیار افرادی است که مهارت آموزش دائم را به دست آورند. اکنون بیش از ۱۶ میلیون دانش آموز در کشور وجود دارند و سطح پوشش تحصیلی در دوره ابتدایی حدود ۹۸ درصد است و علاوه بر ۲ درصد افراد محروم از تحصیل، حدود ۳۵۰ هزار دانش آموز دوره ابتدایی نیز از ادامه تحصیل در این دوره منصرف می‌شوند. با توجه به اینکه جهانی شدن گسترش و سرعت گرفتن ارتباطات و همبستگی انسانها را به دنبال دارد، این جهانی شدن فرصتها و محدودیتهایی برای انسانها به وجود می‌آورد. از این رو بایستی به تعریفی جدید از نقش معلم، مدیر و یافتن توانایی جدید برای اجرای این نقشها برسیم. نمی‌توان گفت معلمی که فارغ‌التحصیل شده و به استخدام آموزش و پرورش درآمده دیگر نیاز به آموزش ندارد.

دیگر اینکه آموزش و پرورش، برغم ماموریت‌های خطیری که در تربیت نیروی انسانی و توسعه همه جانبه کشور برعهده دارد مورد اعتنای چندانی نیست.

دستگاه تعلیم و تربیت را نمی‌توان با سایر دستگاهها و موسسات مقایسه کرد چرا که نوع مأموریت این دستگاه با سایر دستگاهها و سازمانهای دولتی تفاوت بنیادی دارد.

به لحاظ اهمیت و جایگاه آموزش و پرورش، تمامی آحاد جامعه به تصمیمات و مأموریت‌های خطیر این نهاد حساسیت نشان می‌دهند اما این حساسیت در سایر دستگاهها مشهود نیست.

○ به عنوان وزیر آموزش و پرورش، نقش نظام تعلیم و تربیت را در توسعه کشور چگونه تبیین می‌کنید؟
مطالعات نشان می‌دهد که مهمترین عامل توسعه در کشورهای توسعه یافته عامل انسانی و موثرترین نهاد «آموزش و پرورش» است که با نگاه نهادتأمین کننده سرمایه انسانی به آن نگرسته می‌شود. هزینه‌های آموزشی که برای افزایش تواناییهای فردی و اجتماعی و ایجاد مهارتهای زندگی شغلی به کار می‌رود، در بخش سرمایه‌گذاری بلندمدت و پربازده و نه مصرفی طبقه‌بندی می‌گردد و به این دلیل بازدهی منابع انسانی بیشترین نقش و سهم را در توسعه به خود اختصاص می‌دهد.

در حالی که سهم منابع انسانی در کشورهای ژاپن و آلمان در تولید ثروت به ترتیب ۸۰ و ۷۸ درصد و سهم عوامل فیزیکی آن ۱۸ و ۱۷ و سهم ثروت طبیعی شان ۳ و ۵ درصد است. به ترتیب سهمی نزدیک، به ۷ و ۵ برابر متوسط ثروت سرانه جهان را دارند.

در کشور ما با سرانه‌ای تقریباً ۱۵۰ سرانه ثروت جهانی، سهم منابع انسانی ۳۴ درصد و سهم ثروت فیزیکی و طبیعی ۳۷ و ۲۹ درصد برآورده شده است. در حالی که بنا به گزارش مرکز آمار ایران در دهه ۸۰-۷۰ سهم مصرف واسطه آموزش از کل تولید ناخالص داخلی یک درصد و ارزش افزوده آن ۳/۶ درصد است.

از این رقم سهم بخش آموزش و پرورش از مصرف واسطه بخشی آموزشی ۶۰ و آموزش عالی ۴۰ درصد است سهم آموزش و پرورش از ارزش افزوده ایجاد شده ۷۶ و سهم آموزش عالی ۲۴ درصد می‌باشد.

این ارقام نشان دهنده توجه‌پذیری بودن سرمایه‌گذاری در آموزش به طور کلی و توجه‌پذیری بیشتر در آموزش و پرورش عمومی به طور خاص و آموزش ابتدایی به طور ویژه است، این امر ایجاب می‌کند، برای افزایش سهم برتر منابع انسانی در تولید ملی به طور ویژه به سرمایه‌گذاری و انجام اصلاحات در آموزش و پرورش بپردازیم.

به همین خاطر یکی از اقداماتی که در این زمینه در حال انجام است، تدوین سند ملی آموزش و پرورش می‌باشد.

○ ممکن است درباره این سند بیشتر توضیح دهید و اینکه اکنون چه مراحلی را می‌گذرانند؟
مشکلات در آموزش و پرورش را می‌توان در دو سطح تعریف کرد. مسائل و مشکلاتی که در درون ساختار وزارتخانه است و مسائلی که خارج از آن ساختار قرار دارند.

آنچه که ما در این مدت بیشتر دنبال کردیم، آن مسائل و مشکلاتی بود که در حیطه اختیارات آموزش و پرورش و شورای عالی آموزش و پرورش قرار داشت. مشکل بزرگتری که در این وزارتخانه وجود دارد، مشخص نبودن جایگاه آموزش و پرورش در نظام مدیریتی و تصمیم‌گیری کشور است. که تأمین‌کننده آینده کشور برای تحقق هدفهای



چشم‌انداز سیاست‌سازانه می‌باشد. در واقع این مأموریت کلان برای تحقق چشم‌انداز و آینده کشور، مأموریتی نانوشته برای آموزش و پرورش است. برای این که این جایگاه تعریف و مشخص شود، تهیه سند دیگری به نام سند ملی آموزش و پرورش در حال انجام است. ضرورت تهیه این سند هم در شورای عالی آموزش و پرورش و همچنین در هیئت دولت به جمع‌بندی رسیده و در حال مطالعه و بررسی‌های همه‌جانبه است. در واقع یکی از قدم‌های بزرگ آموزش و پرورش در دولت هفتم را می‌توان تدوین سند ملی آموزش و پرورش دانست، که با نگاه به آینده خصوصاً چشم‌انداز ۲۰ ساله، جایگاه این نهاد و ارتباط طولی و عرضی آن با سایر نهادهای تصمیم‌گیر را با هدف ارتقا و نیز نیازهای اصلی و ضرورت سرمایه‌گذاری و میزان آن را برای ساختن جامعه‌ای اینچنین را مشخص می‌نماید. متأسفانه امروز با این بودجه‌ای که به این وزارتخانه اختصاص داده شده نمی‌تواند انسانی توانا، خلاق، پژوهنده و اهل رفتار و تعامل صحیح مناسب اجتماعی تربیت کرد.

اما به هر حال جایگاه نظام آموزش و پرورش در این سند ملی مشخص خواهد شد. با تنظیم این سند روشن می‌شود که ما برای رسیدن به آن جامعه‌ای که ذکر کردم چقدر باید هزینه کنیم و ملاک تصمیم‌گیری و اختصاص منابع برای آموزش و پرورش محصول ما از آموزش و پرورش خواهد بود ما باید به جایی برسیم که به جای اینکه هر فردی به فکر ارتقای سطح فکری فرزند خود باشد به این فکر باشد که نهاد تعلیم و تربیت کشور ما چه جایگاهی در نظام جهانی دارد که قطعاً با تدوین این سند حتماً آینده بهتری شامل حال این وزارتخانه و جامعه خواهد شد.

○ جناب وزیر، شما وعده اصلاحات در آموزش و پرورش را داده بودید، مواردی را نیز اظهار فرمودید که در جهت اصلاح بعضی امور انجام شده است، اصولاً اصلاحات از دیدگاه شما چه معنایی دارد؟
اصلاحات که بیشتر نظر به شرایط درونی نهاد آموزش و پرورش دارد بر اصولی مستقر است که به‌طور خلاصه چنین است: اصلاحات در آموزش و پرورش باید به توسعه معنویت و پایبندی دانش‌آموزان به ارزشهای اخلاقی و هنرهای ملی و تحکیم هویت یکپارچه ایرانی، اسلامی و تقویت حس میهن‌دوستی آنان در شرایط نوین جهانی منجر شود.

اصلاحات در آموزش و پرورش نهادینه کردن، گسترش و تعمیق مشارکت مدیران، معلمان و اولیای دانش‌آموزان را در مراحل و سطوح مختلف تصمیم‌گیری پی‌می‌گیرد و باید به افزایش روحیه مسئولیت‌پذیری، مشارکت جویی و جمع‌گرایی دانش‌آموزان یاری رساند.

اصلاحات یعنی اینکه ساختار آموزش و پرورش به گونه‌ای انعطاف‌پذیر شود که دانش‌آموزان فرصت و اختیار کافی برای انتخاب و تصمیم‌گیری برای گزینش مدرسه، رشته تحصیلی و دروس مورد علاقه را به دور از تحمیل و اجبار داشته باشند.

و اصلاح یعنی اینکه آموزش و پرورش پذیرای تجارب نو و دستاوردهای تربیتی داخلی و خارجی باشد، از نوآوری و خلاقیت مدیران و معلمان استقبال کند و فرصت مناسب را برای بررسی علمی و اجرای آزمایشی مواردی که تایید علمی شده است را فراهم و پس از تایید نهایی به نام خود آنان ثبت نماید.

اصلاحات را باید در همه زمینه‌ها دید؛ نه یک بخش و مجموعه خاص. اگر بنا است که کیفیت آموزش و پرورش خود را اصلاح کنیم، اصلاح کیفیت به خیلی چیزها بستگی دارد. یکی این است که پایه دوره پیش‌دبستانی اصلاح شود. دیگری این است که فضای آموزش اصلاح شود، آموزش در یک محیط دل‌مدرده و دود گرفته و نامطلوب به خوبی انجام نمی‌شود. این شرایط باید اصلاح شود. معلمان باید با انگیزه بالاتری فعالیت کنند. بخشی از آن انگیزه منتهی است که خودشان دارند و بخشی از آن انگیزه مادی است که باید فکری برایش بشود، بخشی از آن هم احساس هویت و شخصیت است که باید در نظام تصمیم‌گیری مدارس شرکت کنند. در این راستا تلاش شده تا فضا را برای همکاری و مشارکت در مسائل آموزش و پرورش برای معلمان را فراهم کنیم و برنامه‌های جاری و آینده با توجه به موارد بالا تنظیم می‌گردد.

○ وزارت چه ضمعی دارد؟ اگر وزیر نبودید دوست داشتید به چه کاری مشغول شوید؟
وزارت طعم خوشی ندارد. سنگینی مسئولیت کشنده است و اگر احساس وظیفه اجتماعی و امید به لطف الهی نباشد اصلاً پذیرش این مسئولیتها توجیه ندارد، آن هم در شرایطی که شاهد آن هستید. اگر وزیر نبودم مثل همه مردم کار و زندگی می‌کردم یا کار اداری یا آموزش فرهنگی - کار اصلی من آموزشی بود که بعد از انقلاب به ضرورت به حوزه اداری و اجرایی کشیده شدم.